

مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران / دوره ۵، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۵: ۲۳۳-۲۵۳

تأثیر توسعه صنعتی بر وضعیت اجتماعی مردم شهر عسلویه و نقش رسانه در مشارکت محلی

حمیدرضا پارسی^۱

حوری کیائی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۵/۰۴

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۹/۰۶

چکیده

ایجاد منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس در منطقه عسلویه، تحولات اجتماعی- فرهنگی متعددی را ایجاد کرد. هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر توسعه صنعتی بر وضعیت اجتماعی شهر عسلویه و بررسی نقش رسانه در ایجاد آگاهی و کمک به آنان به منظور مشارکت در فعالیت‌های توسعه‌ای است. در این پژوهش، از روش‌های اسنادی و پیمایش استفاده شد. در بخش پیمایش، برای سنجش تأثیرات طرح‌های توسعه‌ای بر اجتماع محلی و نقش رسانه در مشارکت اجتماع محلی، دو پرسشنامه جامع به کار گرفته شدند و داده‌ها به روش‌های آماری تجزیه و تحلیل شدند. جامعه آماری شامل تمامی افراد بالغ ساکن شهر عسلویه است. تعیین حجم نمونه آماری، به روش خوشه‌ای و تصادفی ساده انجام شد. براساس یافته‌ها، با پیشرفت توسعه صنعتی در الگوهای فرهنگی، ارزش‌ها و باورهای مردم تغییر کرده است. این تغییرات، بر حوزه‌های الگوی ازدواج و رابطه با جنس مخالف تأثیر گذاشته است. همچنین نتایج نشان می‌دهد با افزایش توسعه و پیشرفت صنعتی، مشارکت محلی نیز افزایش یافته است. همچنین مطابق یافته‌ها، عوامل دیگری غیر از رسانه در مشارکت مردم در طرح‌های توسعه‌ای اثرگذارند.

واژه‌های کلیدی: تأثیر اجتماعی، توسعه اجتماعی، رسانه، مشارکت محلی، وضعیت اجتماعی.

۱. دانشیار گروه شهرسازی دانشگاه تهران، hparsi@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری مدیریت رسانه، پردیس بین‌المللی کیش دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)، mh_kiaei@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

اجرای طرح‌های بزرگ صنعتی و عمرانی، همواره با آثار سازنده و مخرب بر محیط طبیعی و جوامع انسانی همراه است. اجرای این طرح‌ها، بر ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه محلی در این مناطق تأثیرهای متعددی می‌گذارد. تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه فرهنگی و اجتماعی در موفقیت اجرای طرح‌ها، و در فرایند انتقال این جوامع از حالت سنتی و روستایی به جامعه صنعتی و شهری، نقش مهمی دارد. این امر، بر اهمیت انجام دادن مطالعات اجتماعی می‌افزاید.

همچنین به‌کارگیری وسایل ارتباط جمعی با هدف اطلاع‌رسانی به مردم بومی و ایجاد آگاهی فرهنگی، اجتماعی و درنهایت، کمک به مشارکت مردمی در توسعه، حائز اهمیت است. به گفته معتمدنژاد (۱، ۱۳۷۱)، ارتباطات و اطلاع‌رسانی در برنامه‌ریزی‌های توسعه ملی از دو جهت شایان توجه است: «وسایل و امکانات گوناگون ارتباطی، از یک سو جزء عوامل آگاهی‌دهی، هماهنگ‌سازی و سازماندهی مورد نظر در ارائه و اجرای طرح‌های مختلف توسعه به‌شمار می‌روند و در جلب همکاری‌ها و مشارکت‌های عمومی برای تأمین نتایج مطلوب آن‌ها نیز تأثیر تعیین‌کننده دارند و از سوی دیگر خود به‌عنوان شاخص‌های توسعه مثل کشاورزی، صنعت، آموزش و بهداشت در برنامه‌های توسعه ملی جای ممتازی دارا هستند» و به همین سبب، برای پیشرفت و گسترش آن‌ها در کنار زمینه‌های دیگر توسعه، برنامه‌ریزی‌های ویژه‌ای صورت می‌گیرد.

منطقه عسلویه، از جمله مناطقی است که طی توسعه صنعتی تغییرات متنوعی داشته است. ایجاد و توسعه منطقه ویژه انرژی پارس، ظرفیت مناسب و جدید صنعتی را در کنار بزرگ‌ترین مخزن گازی جهان در اختیار کشور قرار داد و آن را به یک مرکز بزرگ و جاذب صنعتی-اقتصادی تبدیل کرد. استقرار این صنعت با ظرفیت تولیدی بسیار بالا، نیازمند به‌کارگیری نیروی کار عظیمی است؛ به طوری که در زمان اوج فعالیت این منطقه، ظرفیت نیروی کار به بیش از ۶۰،۰۰۰ نفر رسید. استقرار این حجم از نیروی کار که بخش عمده آن از مهاجران بودند، تأثیرات اجتماعی- فرهنگی عمیقی بر مردم این منطقه و اقتصاد آنان داشت. با توجه به ساختار برنامه‌ریزی فعالیت‌های اقتصادی در ایران، ساختار اجتماعی موجود در منطقه و خصلت برنامه‌های توسعه در ایران، تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه فرهنگی و اجتماعی برای ایجاد مشارکت بیشتر مردم بومی در شغل‌های توسعه‌ای، همراه با اطلاع‌رسانی به مردم به روش‌های مختلف رسانه‌ای ضرورت دارد. نقش رسانه و ارتباطات، در ایجاد توسعه متوازن همراه با مشارکت مردم در ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در این منطقه، قابل تأمل

و بررسی است. هدف پژوهش حاضر، پاسخ به این پرسش است که توسعه صنعتی، بر وضعیت اجتماعی شهر عسلویه چه تأثیری داشته و نیز رسانه در ایجاد آگاهی و کمک به آنان برای مشارکت در برنامه‌های توسعه‌ای چه نقشی داشته‌اند.

پیشینه پژوهش

در این زمینه، در سال ۱۳۸۴ انجمن جامعه‌شناسی ایران به سفارش شرکت منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، مطالعاتی در حوزه جامعه‌شناختی و مسائل و مشکلات منطقه انجام داد. این سلسله‌پژوهش‌ها که بیشتر آن‌ها به صورت کیفی انجام گرفت، به دنبال تبیین مسائل اجتماعی و مرتفع‌ساختن آن‌ها بودند. این پژوهش با مطالعه میدانی و به صورت مشاهده و مطالعه موردی عمیق انجام گرفت. گزارش پژوهش‌ها در قالب چهار کارگاه معرفی شد. کارگاه اول اجتماع محلی و مسائل شهری، کارگاه دوم ترکیب جمعیت، تحول ارزش‌ها و اوقات فراغت، کارگاه سوم قشربندی و آسیب‌ها و مسائل اجتماعی و کارگاه چهارم آموزش، اشتغال، کار و صنعت بود.

محمود شارع و رسول ربانی (همایش پارس جنوبی، ۱۳۸۴)، در «بررسی اثرات اجرای پروژه‌ها بر ساختار اجتماع محلی»، در چهار حوزه به سؤالات پاسخ دادند: حوزه اجتماع (شامل روابط اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی و پیوندها)، حوزه فرهنگ (شامل ارزش‌ها، باورها، هنجارها، نهادهای اجتماعی و کنترل اجتماعی)، حوزه اقتصاد (شامل معیشت، نظام بهره‌برداری، منابع کسب درآمد، اشتغال و نظام طبقاتی) و حوزه سیاست. نتایج نشانگر به‌حاشیه کشیده شدن مردم، از بین رفتن توانمندی آنان و تبدیل شدن آنان به اقلیت است. در این میان، گروه‌های عمده آسیب‌پذیر در پروژه‌ها عبارت‌اند از: فقرا، سالمندان، زنان، کودکان، افراد بیکار یا نیمه‌بیکار، گروه‌های اقلیت و افراد معلول. برخی از مهم‌ترین عوامل ایجادکننده تنش و تعارض در این تحقیق، توزیع نابرابر مزایای حاصل از پروژه‌ها بین افراد بومی، اختلال در سازوکارهای سنتی کنترل اجتماعی، اختلال اجتماعی و اکولوژیکی ناشی از هجوم غریبه‌ها به منطقه استخدام و به‌کارگیری نیروی کار پروژه برشمرده شد. در این پژوهش پیشنهاد شد برای شناسایی و مدیریت تغییرات حاصل از پروژه‌های توسعه، ارزیابی تأثیرهای اجتماعی انجام شود. هدف از این ارزیابی، حصول اطمینان از مزایا و معایب پروژه توسعه در این منطقه است.

افسانه کمالی (همایش پارس جنوبی، ۱۳۸۴) پژوهشی در زمینه چالش‌های فرهنگی و تغییرات ارزشی در منطقه پارس جنوبی انجام داد. این پژوهش، به هدف شناخت نظام ارزشی و سبک زندگی مردم محلی، مطالعه گروه‌ها و افراد، شناخت عوامل مؤثر بر تغییرات ارزشی و مشخص کردن محورهای اصلی برنامه‌ریزی فرهنگی صورت گرفت. به منظور بررسی اهداف پوشش سنتی، رفتارهای مذهبی، ساختار قدرت در خانواده، حضور فعال زنان و دختران در جامعه، روابط با جنس مخالف، میزان گرایش به رسانه‌های مدرن و سبک معماری در مسکن مطالعه شدند. از پیشنهادها این طرح، توجه به نوجوانان و دختران، توجه بیشتر به آموزش، پرهیز از تعارض‌های محلی و تبدیل طرح صنعتی به یک طرح ملی است.

فیوضات (همایش پارس جنوبی، ۱۳۸۴) پژوهشی با عنوان «سازمان کار» انجام داد. مطابق یافته‌ها، منطقه با چالش‌های فرهنگی زیادی روبه‌رو شده است که از جمله آن‌ها می‌توان تسامح در رفتارهای دینی و الگوهای سنتی، تغییر در ساختار خانواده و الگوی ازدواج، تغییر در پوشش ظاهری، گرایش به الگوهای رفتاری جدید و اختلال در سازوکارهای سنتی کنترل اجتماعی را نام برد. راهکارهای این پژوهش برای مقابله با چالش‌های فرهنگی، شامل جلب مشارکت‌های مردمی و افزایش اعتماد و توجه ویژه به حاملان اصلی تغییرات ارزشی یعنی جوانان بود.

همچنین در زمینه تأثیر رسانه بر مشارکت افراد بومی در برنامه‌های توسعه، فضیله خانی و همکاران (۱۳۹۱) «نقش رسانه‌های جمعی در مشارکت جوامع محلی در مناطق روستایی در روستاهای شهرستان شیروان» را بررسی کردند. در این پژوهش، نقش اطلاعات در مشارکت مردمی بررسی شد. بر پایه روش اسنادی و میدانی، از مجموع ۱۹۲ روستا، ۳ روستای توسعه‌یافته و ۳ روستای توسعه‌نیافته به عنوان نمونه برگزیده شدند. مطابق یافته‌ها، بین میزان اطلاعات جامعه محلی و مشارکت مردمی، رابطه معنادار وجود دارد. همچنین بین میزان اطلاعات و مشارکت‌های سیاسی و خدماتی پاسخگویان، رابطه معنادار مشاهده می‌شود، اما رابطه معناداری بین میزان اطلاعات و مشارکت‌های اجتماعی و فرهنگی پاسخگویان وجود ندارد.

مبانی نظری

اگرچه به‌طور کلی، پیش‌بینی و ارزیابی پیامدها و تأثیر تغییر بر جامعه، از زمان پیدایش جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی در دستور کار جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان قرار داشت، ارزیابی تأثیر اجتماعی به‌مثابه یک مفهوم خاص، همراه با تصویب قانون ملی سیاست زیست‌محیطی آمریکا در سال ۱۹۶۹ مطرح

شد (بکر، ۱۹۹۷: ۵۲-۱۰۷). امروزه ارزیابی تأثیر اجتماعی، فرایند تحلیل (پیش‌بینی، ارزشیابی و انعکاس) و مدیریت پیامدهای خواسته و ناخواسته رخدادهای برنامه‌ریزی شده (سیاست‌ها، برنامه‌ها، طرح‌ها و پروژه‌ها) و همچنین پیامدهای خواسته و ناخواسته فرایندهای تغییر اجتماعی را- که بر محیط انسان تأثیر می‌گذارد- شامل می‌شود (ونکلی، ۲۰۰۲: ۳۸۸). همچنین ارزیابی تأثیر اجتماعی را می‌توان «تلاش برای ارزیابی یا برآورد زود هنگام پیامدهای اجتماعی احتمالی یک اقدام خاص (از جمله برنامه‌ها و سیاست‌های جدید) و اقدامات دولتی دانست. ارزیابی تأثیر اجتماعی، فرایندی است که فرصتی برای ارائه چارچوبی به‌منظور اولویت‌بندی، جمع‌آوری، تحلیل و ادغام اطلاعات اجتماعی فراهم می‌سازد و زمینه را برای مشارکت ذی‌نفعان اصلی (مردم) در طراحی و اجرای رخدادهای توسعه‌محور هموار می‌کند» (همان: ۳۸۸).

ارزیابی تأثیر اجتماعی، فرایند تحلیل، نظارت و مدیریت پیامدهای خواسته و ناخواسته اجتماعی (مثبت یا منفی) رخدادهای برنامه‌ریزی شده (سیاست‌ها، برنامه‌ها، طرح‌ها و پروژه‌ها) و همچنین پیامدهای خواسته و ناخواسته هر فراگرد تغییر اجتماعی را شامل می‌شود (بکر و ونکلی، ۱۳۸۸). در این ارزیابی، تأثیرهای اقدامات توسعه‌ای، عناصر مختلفی مانند سبک زندگی، فرهنگ، اجتماع، محیط، سیستم‌های سیاسی مردم، حقوق شخصی و مالکیتی، بیم‌ها و آرزوهای مردم، چشم‌انداز محیطی و میراث فرهنگی مردم تحلیل می‌شود (همان: ۱۳۸۸).

کریس روچ (۱۳۷۸: ۲۴۹) سه روش اصلی برای ارزیابی تأثیرهای سیاست‌ها و اقدامات توسعه‌ای مطرح می‌سازد. «روش اول فعالیت‌هایی را تحلیل می‌کند که برای تغییر دادن سیاست‌ها طراحی شده‌اند و از طریق استدلال‌های منطقی، درصدد پیش‌بینی یا تبیین تأثیرات عمومی آنهاست. روش دوم به ارزیابی این پرسش می‌پردازد که ظرفیت‌های گروه‌های گوناگون تا چه حد تقویت شده و آنها اکنون به چه چیزهایی می‌توانند دست یابند. رویکرد سوم به بررسی این مسئله می‌پردازد که سیاست‌ها در عمل چگونه اجرا می‌شوند و تأثیر خاص و بالفعلی که بر زندگی مردم می‌گذارند چیست.»

از فواید ارزیابی تأثیر اجتماعی می‌توان «کمک به توسعه پایدار و همه‌جانبه، ارتقای کیفیت زندگی، کاهش محرومیت و توسعه برابری اجتماعی درون‌نسلی و بین‌نسلی، افزایش بازدهی مداخله‌های توسعه‌ای، استفاده بهینه از منابع، تنوع فرهنگی و انسجام اجتماعی و همچنین پیشگیری از مسائل اجتماعی و فرهنگی» را برشمرد.

هدف ارزیابی تأثیر اجتماعی، اطمینان‌دادن از افزایش مزایا و کاهش هزینه‌های طرح‌های توسعه یا رخدادهای توسعه‌محور به‌ویژه هزینه‌های تحمیلی بر مردم است (همان: ۱). از میان هدف‌های

ارزیابی تأثیر اجتماعی می‌توان کمک به توسعه پایدار و همه‌جانبه، ارتقای کیفیت زندگی، کاهش محرومیت و توسعه برابری اجتماعی درون‌نسلی و بین‌نسلی، افزایش بازدهی مداخله‌های توسعه‌ای، استفاده بهینه از منابع، تنوع فرهنگی و انسجام اجتماعی و همچنین پیشگیری از مسائل اجتماعی و فرهنگی را نام برد. همچنین هدف ارزیابی تأثیر اجتماعی، اثبات تأثیر گذشته و اصلاح و بهبود عملکرد آتی است (همان: ۲-۳).

ارزیابی تأثیر اجتماعی، بر این پیش‌فرض استوار است که رخدادهای توسعه‌محور دارای پیامدهای اجتماعی هستند و بنابراین، تصمیم‌سازان پیش از هرگونه اقدامی باید از پیامدهای عملشان آگاه شوند و افرادی که از طرح توسعه تأثیر می‌گیرند، فرصتی بیابند تا در طراحی سرنوشت آینده‌شان مشارکت کنند. امروزه مشارکت مردم و استفاده از دانش بومی در ارزیابی تأثیر اجتماعی، امری پذیرفته‌شده به حساب می‌آید (استولپ، ۲۰۰۳: ۲۴۶). انجام‌دادن این ارزیابی، زمینه مناسب را برای توجه به دغدغه‌های اجتماعی طرح‌های توسعه فراهم می‌کند. در واقع، از طریق ارزیابی تأثیر اجتماعی طرح‌های توسعه، زمینه برای افزایش پذیرش طرح توسعه از یک سو و اقدامات جبرانی و کاهش تأثیرات نامطلوب بر اقشار آسیب‌پذیر و فقیر از سوی دیگر فراهم می‌آید.

مؤلفه توسعه در قرن‌های اخیر، در تمام زمینه‌ها مطرح بوده است. آدم اسمیت و همکاران، برای توسعه نظراتی را ارائه دادند. حتی برخی از علمای اسلامی، واژه عمران را به کار گرفتند. اقتصاددانانی مانند سیرز، میر و باتاچاریا، توسعه را فراتر از توسعه اقتصادی می‌دانند. سیرز (۱۹۶۹: ۲) معتقد است افزایش درآمد سرانه به تنهایی موجب ایجاد توسعه نمی‌شود؛ بلکه عواملی مانند فقر، بیکاری و نابرابری نیز باید بررسی شوند. به اعتقاد شوماخر، توسعه با تولید کالا آغاز نمی‌شود؛ بلکه با مردم، آموزش و پرورش، سازماندهی و انضباط آغاز می‌شود (۱۹۷۳: ۱۳)؛ بنابراین، توسعه ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دارد. بعد اجتماعی توسعه دارای دو بخش است: توسعه ظرفیت مردم برای کار مداوم در جهت رفاه آن‌ها و جامعه و دوم تغییر یا توسعه نهادهای اجتماعی به گونه‌ای که نیازهای بشری را در تمامی سطوح به‌ویژه در پایین‌ترین سطح از طریق یک فرایند بهبود در روابط میان مردم و نهادهای سیاسی اجتماعی رفع کند (دیوب، ۱۳۷۷: ۸۴). ازکیا توسعه اجتماعی را از مفاهیمی به شمار می‌آورد که با چگونگی و شیوه زندگی افراد یک جامعه پیوند تنگاتنگ دارد و ناظر بر بالابردن سطح زندگی عمومی از طریق ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه‌های فقرزدایی، تغذیه، بهداشت، مسکن، اشتغال، آموزش و چگونگی گذراندن اوقات فراغت است. همچنین آن را ایجاد بهبود در وضعیت اجتماعی افراد یک جامعه می‌داند (ازکیا، ۱۳۸۴: ۴۷). درنهایت، توسعه

اجتماعی را می‌توان حرکتی در جهت سازگاری بهتر بین فرد و جامعه، ایجاد امنیت برای شهروندان در تمامی زمینه‌ها و ایجاد شرایط برابر تعریف کرد.

برای آنکه توسعه با نیازهای افراد تناسب داشته باشد، باید از جایی آغاز شود که نیازها و مشکلات واقعی وجود دارند. مردم مناطق محروم، به علت مشارکت‌نداشتن در راهبردهای توسعه نتوانسته‌اند مشکلات خود را شناسایی و بیان کنند (فرهنگی، ۱۳۹۰: ۳۲۰). در این میان، رسانه‌های جمعی یکی از منابع قوی آگاهی‌بخشی و تسهیل مشارکت مردمی هستند و جامعه محلی را برای رسیدن به مشارکت در برنامه‌های توسعه آماده می‌سازند. به منظور تحقق این امر، تأثیرگذاری نقش رسانه در تغییرات اجتماعی توسعه شایان توجه است. نقش رسانه در زمینه پذیرش طرح‌های توسعه و کاهش آثار نامطلوب اجتماعی و اقتصادی بر جامعه محلی اهمیت بسیاری دارد. رسانه‌ها در جهت تقویت ارزش‌ها و هنجارها و آماده‌سازی افراد، به منظور دست‌یافتن به مجموعه مشترکی از ارزش‌ها و اهداف در جهت تشویق به مشارکت آنان در فعالیتهای اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌کنند. در راهبردهای پایین به بالای ارتباطات توسعه، افراد تشویق می‌شوند تا در فعالیتهای اجتماع خود مشارکت داشته باشند. هدف از این نوع ارتباطات، تسهیل آگاهی‌بخشی به مردم در مورد ساختارهای جامعه، در جهت شناسایی نیازهای خود و غلبه بر مشکلات برنامه‌ریزی است (فرهنگی، ۱۳۹۰: ۳۲۰).

چارچوب نظری

این پژوهش، با توجه به رویکرد دوم روج و با در نظر گرفتن میزان تقویت ظرفیت‌های مردم بومی منطقه و میزان دستاوردهایی که توسعه برای آنان به ارمغان داشته است، به ارزیابی آثار توسعه صنعتی بر وضعیت اجتماعی مردم بومی منطقه می‌پردازد و با توجه به الگوهای اجتماعی مردم بومی، پنج شاخص الگوی اجتماعی را به منظور تعیین وضعیت اجتماعی آنان بررسی می‌کند. این پنج شاخص، شامل نوع پوشش، نوع الگوی ازدواج، الگوی روابط در خانواده و افزایش روابط با جنس مخالف و میزان تغییر در الگوهای فرهنگی، ارزش‌ها و باورهاست و تأثیر رسانه را بر ایجاد آگاهی و کمک به آنان به منظور مشارکت در برنامه‌های توسعه‌ای بررسی می‌کند. بر این اساس، فرضیه‌های پژوهش حاضر شامل موارد زیرند:

فرضیه اصلی: توسعه صنعتی موجب تغییر در الگوها و روابط اجتماعی مردم شهر عسلویه شده است.

فرضیه فرعی: ارتباطات رسانه‌ای در ایجاد مشارکت مردمی نقش داشته است.

روش‌شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر، براساس اطلاعات مورد نیاز، متناسب با هدف، امکانات و محدودیت‌ها، از روش‌های اسنادی و پیمایش استفاده شد. در بخش پیمایش، پس از تعیین جامعه آماری و انتخاب نمونه مناسب، اطلاعات به‌وسیله پرسشنامه جمع‌آوری شدند. به همین سبب، نتایج قابل‌تعمیم به جامعه آماری است. جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش، به روش پیمایشی انجام گرفت؛ بنابراین، ابزارهای متعددی برای جمع‌آوری داده‌های کمی از قبیل پرسشنامه و مطالعات اسنادی (بررسی داده‌های ثانویه اسناد مانند داده‌های جمعیتی و اسناد موجود منطقه) به‌کار گرفته شد. در بخش پیمایش، برای سنجش تأثیر طرح‌های توسعه‌ای بر اجتماع محلی و نقش رسانه در مشارکت اجتماع محلی، از دو پرسشنامه جامع استفاده شد و داده‌های حاصل، با استفاده از روش‌های کیفی و کمی تجزیه و تحلیل شدند. پرسشنامه‌های مذکور توسط جهاد دانشگاهی و شهرداری تهران، برای ارزیابی تأثیر اجتماعی طراحی شدند. اطلاعات پس از بازبینی و حذف داده‌های غلط و نارسا، کدگذاری و در نرم‌افزار SPSS پردازش شدند.

در تحلیل داده‌ها، علاوه بر توصیف جداول یک‌بعدی، از ضرایب همبستگی، تعیین شاخص‌های آماری و ضرایب پراکندگی و مرکزی (میانگین، انحراف معیار) استفاده شد، اما به‌دلیل کمبود فضا، از درج آن‌ها در این پژوهش خودداری شد. جامعه آماری در این پژوهش، تمامی افراد بالغ ساکن شهر عسلویه هستند. به‌دلیل حجم بالای جامعه آماری، در مرحله جمع‌آوری اطلاعات با پرسشنامه، امکان پرسش از تمامی اعضای جامعه آماری (سرپرستان خانوار از مناطق مختلف) وجود نداشت و بنابراین، اطلاعات از افراد نمونه جمع‌آوری شد. به‌منظور پوشش حداکثری جامعه آماری، نمونه‌گیری به روش خوشه‌ای و تصادفی ساده انجام گرفت. بدین‌صورت که محدوده به مناطق مختلف تقسیم شد و حجم نمونه اختصاص‌یافته به هر محله مشخص شد. سپس در هر منطقه، با استفاده از روش تصادفی ساده، پاسخگویان مورد نظر انتخاب شدند و پرسشنامه‌ها در میان آن‌ها توزیع شد.

تعیین حجم نمونه: برای تعیین حجم نمونه، از فرمول کوکران، با احتمال ۹۵ درصد و ضریب خطای ۰/۵ استفاده شد. در این فرمول، n حجم نمونه، N تعداد افراد جامعه آماری، t شاخص احتمال است. برآورد حجم نمونه، با احتمال ۹۵ درصد و $t = 1/96$ صورت گرفت. براین‌اساس، مجموع افراد نمونه به ۳۱۴ نفر رسید.

شاخص‌سازی مفاهیم، با توجه به امکان اندازه‌گیری تأثیر توسعه صنعتی بر الگوهای اجتماعی انجام گرفت. از میان مفاهیم مختلف مربوط به الگوهای اجتماعی، پنج مفهوم که امکان شاخص‌سازی و اندازه‌گیری آن‌ها بیشتر بود، انتخاب شدند که عبارت‌اند از: نوع پوشش، نوع الگوی ازدواج، الگوی روابط در خانواده و افزایش روابط با جنس مخالف و میزان تغییر در الگوهای فرهنگی، ارزش‌ها و باورها. دلایل انتخاب این پنج مفهوم عبارت‌اند از:

۱. پاسخگویی به سؤالات و ارزیابی فرضیه پژوهش؛
۲. امکان بیشتر سنجش کمی این مفاهیم؛
۳. ارتباط این مفاهیم با الگو و روابط اجتماعی مردم عسلویه در شرایط گذار توسعه صنعتی.

جدول ۱. شاخص‌سازی مفهوم الگو و وضعیت اجتماعی مردم بومی

مفهوم	شاخص
الگوهای اجتماعی	نوع پوشش
الگوهای اجتماعی	نوع الگوی ازدواج
الگوهای اجتماعی	الگوی روابط در خانواده
الگوهای اجتماعی	افزایش روابط با جنس مخالف
الگوهای اجتماعی	میزان تغییر در الگوهای، فرهنگی، ارزش‌ها و باورهای مردم

تعریف مفاهیم

الگوی اجتماعی

کنش به‌عنوان ابتدایی‌ترین عنصر مشترک زندگی اجتماعی بشری، دربرگیرنده مجموعه رفتارهایی است که انسان‌ها برای رسیدن به اهداف معین در برابر یکدیگر انجام می‌دهند (ویکی‌پدیا). انسان به‌طور انتخابی و گزینشی، به محرک‌های بیرونی پاسخ می‌دهد و نه به‌صورت مکانیکی، آن‌گونه که رفتارگرایان در روان‌شناسی بیان می‌کنند. بخش عمده‌ای از پاسخ‌گزینشی انسان‌ها در پاسخ به انتظارات دیگران را موازین اجتماعی تعیین می‌کند که به کسب معانی مشترک نیاز دارد و بخش دیگر آن مربوط به توانایی‌های انسانی در تصمیم‌گیری درونی خود اوست. الگوهای کنش، هم‌شکلی در عمل و تفکر و احساس در میان تعداد کثیری از اشخاص است که در جامعه پذیرفته شده و رعایت می‌شود. از آنجاکه افراد جامعه تا حدی مانند هم می‌اندیشند، مانند هم عمل می‌کنند و احساسی شبیه به هم دارند، امکان مطالعه علمی جامعه فراهم می‌شود. درواقع، جامعه، بافتی از کنش‌های متقابل و الگودار است. جامعه‌شناسان الگوهای کنش (هنجارها) را به دو دسته بیرونی و درونی تقسیم می‌کنند:

الف) الگوهای بیرونی و هنجاری کنش

الگوهای بیرونی کنش دارای مشخصات زیر است: ۱. قابل مشاهده و اندازه‌گیری است؛ ۲. به‌وفور تکرار می‌شود؛ ۳. میان عده زیادی از اشخاص مشترک است و ۴. محتوای آن نوعی معنای اجتماعی دارد (وبر، ۱۳۷۱: ۹۳).

الگوهای عرفی، کنش‌های همگونی در جهت‌گیری‌های کنش اجتماعی هستند که در میان گروهی از افراد برحسب عادت‌های عملی اجرا می‌شوند و این عادت‌ها پایدار و دیرپاست، اما به‌طور بیرونی تضمین نشده است که فرد کنش خود را با آن منطبق سازد. هیچ‌کس ملزم به رعایت رسم نیست، ولی ثبات رسم مبتنی بر این واقعیت است که اگر کسی رفتارش را با آن منطبق نکند، در معرض ناملايمات کوچک و بزرگ قرار می‌گیرد.

درمقابل، الگوهای قراردادی یا حقوقی، الزام‌آور و معتبرند، به‌طور بیرونی اجرای آن‌ها تضمین می‌شود، پیروی از آن‌ها با مخالفت و اجبار بیرونی همراه می‌شود و تخطی از آن در هر جامعه‌ای، تابع حقوق جزای آن جامعه است. الگوهای قراردادی کنش، اعتبارشان را از بیرون و با این احتمال تضمین می‌کنند که انحراف از آن‌ها در یک گروه اجتماعی قابل تعیین است و با مخالفت نسبتاً عمومی که اهمیت محسوسی دارد، روبه‌رو می‌شود (همان: ۹۳).

کوزر و روزنبرگ، الگوهای عرفی کنش را شامل قواعد و هنجارهایی می‌دانند که بر اثر تکرار به‌صورت عادت درآمده‌اند و در میان عده زیادی از افراد متداول شده‌اند. مهم‌ترین این الگوها عبارت‌اند از:

۱. سنت‌های اجتماعی: الگوهای کنشی هستند که همیشه وجود دارند و اعتبار آن‌ها غیرقابل تردید است؛ زیرا با قداست همراه‌اند؛
۲. آداب اجتماعی: بعضی از رسوم اجتماعی برای خوشایند دیگران اجرا می‌شوند که به آن‌ها آداب اجتماعی گفته می‌شود، مانند آداب غذاخوردن؛
۳. رسوم اخلاقی: معمولاً کنش‌های اجباری یک جامعه را تشکیل می‌دهند. الگوهای مهم و بنیادی هستند که اشخاص در وضعیت‌های اجتماعی، خود را ملزم به رعایت و هم‌نوايي با آن می‌دانند. میزان فشار اجتماعی بر کسانی که رسوم اخلاقی را نقض کنند، بیشتر است. به همین جهت، اغلب افراد منافع و مصلحت شخصی خود را با آن تطبیق می‌دهند. هر کنش فردی تحت کنترل رسوم اخلاقی است؛ به‌طوری‌که افراد پیش از آنکه بتوانند به‌طور استدلالی با آن‌ها برخورد کنند، با آن‌ها بزرگ می‌شوند. به‌طورکلی، تفکر شکل‌گرفته در قالب

رسوم اخلاقی بیان می‌شود. رسوم اخلاقی خود مسئله‌ای نیست؛ بلکه پاسخگوی مسائل زندگی است و گویی پاسخ نهایی و تغییرناپذیری است که به صورت حقیقت ارائه می‌شود. سامنر معتقد است که رسوم اخلاقی، بیش از هر بازناندیشی، نظم‌دهنده رفتار سیاسی، اجتماعی و مذهبی فرد است و اندیشه آگاه، بدترین دشمن رسوم اخلاقی است؛ زیرا رسوم اخلاقی، بدون دخالت اندیشه و تعمق، پذیرفته می‌شوند و رواج عمومی می‌یابند (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۷۸: ۱۱۲).

۴. رسوم اجتماعی: رسم، عادات اجتماعی در یک گروه است و عادت از تکرار و تثبیت رفتار پدید می‌آید. رسوم، رفتارهای جمعی‌ای هستند که علی‌رغم ناکامی‌ها تجدید و تکرار می‌شوند (بیرو، ۱۳۷۵: ۷۹).

ب) الگوهای قراردادی و حقوقی کش اجتماعی

«حقوق» یکی از پدیده‌های اجتماعی است که بدون در نظر گرفتن اجتماع و عوامل فعال در آن، نمی‌توان آن را با نگرش جامعه‌شناسانه بررسی کرد؛ زیرا از درون اجتماع و ارزش‌های آن سرچشمه می‌گیرد. هانری لوی برول در این زمینه معتقد است: «حقوق، اجتماعی‌ترین امر اجتماعی است و بیش از مذهب و زبان و هنر، سرشت نهانی گروه‌های اجتماعی را نشان می‌دهد» (لوی برول، ۱۳۵۸: ۴۵).

ارزیابی آثار اجتماعی

در زمینه تحلیل الگوهای اجتماعی، کمیته بین‌سازمانی^۱ (کمیته بین‌سازمانی، ۱۹۹۴)، ارزیابی الگوی آثار اجتماعی را به این صورت تعریف کرده است: «تلاش برای ارزیابی و برآورد پیامدهای اجتماعی‌ای که ممکن است از اقدامات و سیاست‌های خاص، از جمله برنامه‌ها و اجرای سیاست‌های جدید و اجرای برنامه‌های دولتی مشخص، از جمله اختصاص دادن زمین‌های زیاد به پروژه‌های استحصال منابع طبیعی ناشی شود.» در نسخه‌ای دیگر از گزارشی که کمیته فوق منتشر کرده است، منظور از تأثیرهای اجتماعی، هرگونه عواقب ناشی از اقدامات بخش عمومی و

^۱. Interorganizational Committee on Guidelines and principles for social impact assessment, (1994).

خصوصی است که بر شیوه زندگی، کار، برقراری ارتباط، شیوه تأمین نیازمندی‌ها و نوع غلبه مردم بر مشکلات زندگی شان اثر می‌گذارد (کمیته بین‌سازمانی، ۱۹۹۴: ۱). وسترن و لینچ (۲۰۰۳)، نیاز به ارزیابی تأثیرهای اجتماعی را نتیجه شناخت پیچیدگی اجتماعات انسانی و درک این موضوع می‌دانند که نتایج منفی و ناخواسته مداخله در آن ممکن است سنگین‌تر از نتایج مثبت آن باشد. به عقیده کارلی و باستیلو (۱۹۸۴: ۷) نیز یکی از کارکردهای اصلی ارزیابی تأثیر اجتماعی، پیش‌بینی تأثیر تغییرات تعریف‌شده، بر اجتماعات انسانی است. این پیش‌بینی‌ها تصمیم‌گیران را قادر می‌سازد تا مزایای مداخله‌های جایگزین را بررسی کنند.

مشارکت محلی

مشارکت محلی، یکی از مفاهیم الگوهای اجتماعی است. در این زمینه، بانک جهانی، مشارکت را فرایندی تعریف می‌کند که در خلال آن، افرادی که از پروژه تأثیر می‌پذیرند، در جهت‌دهی و اجرای طرح‌های توسعه دخیل‌اند و این‌گونه نیست که فقط سهمی از منافع طرح را دریافت کنند (دیویس و وایتینگتون، ۱۹۹۸: ۷۳).

مشارکت مفهومی در ارتباط با توسعه، با انتقال قدرت همراه است (لو و همکاران، ۱۹۹۹: ۱۴-۱۷). درواقع، وسیله‌ای است تا مردم به کمک آن و بدون اتکای جدی بر نهادهای رسمی بتوانند مشکلات خود را حل کنند؛ یعنی خوداتکا شوند و نیازهای خود را برطرف کنند (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۱۱۹).

مشارکت مردم محلی، شامل همه مراحل ساخت، راه‌اندازی و نگهداری و تعمیرات پروژه می‌شود. اگر پروژه براساس روال‌های جلب رضایت مردم منطقه برنامه‌ریزی شود و در کوتاه‌مدت منافع فراوانی برای تمامی اقشار اجتماعی دربرداشته باشد و در درازمدت نیز چشم‌اندازی از منافع پایدار برای مردم محلی فراهم سازد، می‌توان آن را عاملی برای جذب مشارکت محلی به‌شمار آورد. به عقیده پیچوتو، مشارکت را باید مکمل حیاتی اقدامات اقتصادی کلان دانست (پیچوتو، ۱۹۹۲).

برخورد دولت‌ها با فرایند مشارکت، براساس سه گونه سیاست مشخص شده است:

شیوه ضد‌مشارکتی که در آن، نخبگان معتقدند دولت علاقه‌ای به فقرا ندارد و از مشارکت محلی حمایت نمی‌کند. طرفداران این نظریه معتقد به سرکوب مشارکت توده‌ها هستند و حکومت‌ها اجازه مداخله و مشارکت همگانی در سیاست‌گذاری را- که ممکن است با اهداف کلان اجتماعی - اقتصادی آن‌ها تعارض داشته باشد- نمی‌دهند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳).

شیوه مشارکت هدایت شده که در آن، دولت از مشارکت اجتماع محلی با انگیزه‌های پنهانی حمایت می‌کند. این شیوه به منظور کنترل سیاسی - اجتماعی، با علم به اینکه مشارکت هزینه برنامه‌های توسعه اجتماعی را کاهش می‌دهد و آن را تسهیل می‌کند، به کار می‌رود. این نوع مشارکت، در مرحله اجرا با بسط نظام دیوان‌سالاری همراه خواهد بود (همان).

شیوه مشارکت واقعی که در آن، دولت به طور کامل از مشارکت اجتماعات محلی در تمامی ابعاد و سطوح توسعه حمایت می‌کند و متضمن واگذاری قدرت است. در این شیوه، دولت علاوه بر ایجاد نهادهای محلی، متعهد به فعالیتهای مشارکتی در تصمیم‌های مرکزی منطقه‌ای و محلی از طریق برنامه‌ریزی ملی جامع است (همان). بیش از دو دهه است که فعالان و نظریه‌پردازان توسعه در سراسر دنیا، درباره نیاز به مشارکت عامه مردم در توسعه بحث می‌کنند، اما در بسیاری از تئوری‌های توسعه روستایی، تفکر درباره مشارکت در سطح، بسیار نظری و آرمان‌گرایانه بوده است (شفر، ۱۹۹۸).

توسعه اجتماعی

واژه development در زبان انگلیسی به معنای بسط یافتن، ایجاد کردن، تکامل و پیشرفت است. اگرچه این واژه از قرن هشتم هجری برای توضیح برخی پدیده‌های اجتماعی به کار رفت، استفاده وسیع از آن به عنوان یک چارچوب تحلیلی برای درک پیشرفت جوامع انسانی، به بعد از جنگ جهانی دوم و به دهه‌های ۱۹۵۰ - ۱۹۶۰ مربوط می‌شود (فرهنگی، ۱۳۹۰: ۲۷). از دیدگاه مایکل تودارو «توسعه را باید جریانی چندبعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است. توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل نظام، از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به سوی وضع یا حالتی که از نظر مادی و معنوی بهتر است، سوق یابد» (تودارو، ۱۳۶۴: ۱۳۶).

در همایش جهانی کپنهاگ، توسعه اجتماعی، حضور مردم در برنامه‌های توسعه و متعهد بودن فرایندهای توسعه‌ای به منفعترساندن به فقرا و نیز تعریف روش ارتباطی مردم در گروه‌ها و جامعه معرفی شد (همایش جهانی توسعه اجتماعی کپنهاگ، ۱۹۹۵).

رسانه

رسانه ترجمه واژه انگلیسی مدیوم است. این واژه در لغت به معنای واسطه است. رسانه در واقع وسیله‌ای است که پیام را از فرستنده به گیرنده منتقل می‌کند. متخصصان امر، رسانه‌ها را به دو دسته بزرگ و کوچک تقسیم می‌کنند (تامپسون، ۱۳۸۰: ۸۹). رسانه‌های بزرگ به وسایلی مانند رسانه‌های مکتوب رادیو و تلویزیون، سینما و کامپیوتر اطلاق می‌شود که قابلیت آن را دارند که مخاطبان زیادی را در یک لحظه جلب کنند.

از رسانه‌های کوچک، اغلب به‌عنوان وسایل کمک‌آموزشی یاد می‌شود؛ مانند نوارهای ضبط‌صوت، پروژکتور و سی‌دی که مخاطبان نسبتاً محدودتری را جلب می‌کنند. براساس این تقسیم‌بندی، رسانه مناسب به ایجاد شرایط مطلوب و افزایش آگاهی کمک می‌کند و سبب تقویت آن می‌شود. با افزایش اهمیت رسانه در ابعاد مختلف زندگی، از سال ۱۹۶۰، به‌تدریج استفاده از رسانه‌ها در فرایند توسعه روستایی مطرح شد. متخصصانی مانند لرنر، شرام و دیگر طرفداران نقش رسانه در توسعه بر این باورند که رسانه‌ها، با تزریق ایده‌های نو به توده‌ها، نقش جدیدی را به مردم می‌شناساند و راه و رسم متفاوت و بهتری برای زندگی پیش‌روی آن‌ها می‌گذارند (سون ویندال، ۱۳۷۶: ۵۹-۶۳).

آن‌ها همچنین دو وظیفه مهم برای رسانه‌ها در امر توسعه تعریف کردند که عبارت است از متحدکردن و ایجاد همبستگی میان همه اقشار جامعه و واداشتن آنان به مشارکت در طرح‌های توسعه منطقه‌ای و ملی.

پاوار هدف‌های کلی رسانه را به سه دسته آموزشی، اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی تقسیم می‌کند که همه رسانه‌ها سعی دارند تا با آموزش، درجهت توانمندکردن افراد برای حل مسائل و رفع مشکلات گام مثبتی بردارند. همچنین تلاش می‌کنند تا در کسب دانش عملی، مهارت‌های لازم و فراهم‌آوردن بسترهای مناسب برای به‌کار بستن معلومات و مهارت درجهت حل مسائل و مشکلات راهگشا باشند. بدین‌منظور، رسانه‌ها با ارائه برنامه‌هایی از طریق اخبار، نمایش فیلم، چاپ مطالب سخنرانی و حضور در میان مردم، در فراهم‌آوردن زمینه ارتقای سطح زندگی و تأمین رفاه اقتصادی اجتماعی برای جامعه اثرگذارند.

یافته‌ها

الف) یافته‌های توصیفی

جمعیت نمونه این پژوهش شامل افراد بالغ سرپرست خانوار است. ۱۰/۳ درصد آن‌ها بین ۱۶ تا ۲۵

سال، ۴۰ درصد بین ۲۶ تا ۴۰ سال، ۳۹/۷ درصد بین ۴۱ تا ۵۵ سال و ۸/۷ درصد بالای ۵۵ سال دارند. ۹۵/۳ درصد آن‌ها مرد و ۴/۷ درصد زن هستند. ۳۲/۱ درصد آن‌ها بی‌سواد، ۱۱/۴ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۱۱/۷ درصد راهنمایی، ۹ درصد متوسطه، ۱۵/۱ درصد دیپلم، ۱۱/۴ درصد فوق‌دیپلم، ۷/۴ درصد لیسانس و ۲ درصد فوق‌لیسانس هستند. ۶/۴ درصد مجرد و ۹۳/۶ درصد آن‌ها متأهل‌اند. ۷۱/۷ درصد دارای شغل آزاد، ۲۸/۳ درصد کارمند و بقیه بیکارند. درآمد ۱/۱ درصد آن‌ها کمتر از ۲۰۰ هزار تومان، ۱۸/۷ درصد ۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان، ۳۱/۵ درصد ۴۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان، ۳۹/۹ درصد ۷۰۰ هزار تا یک میلیون تومان و ۸/۸ درصد بالای یک میلیون تومان است.

ب) یافته‌های تحلیلی

آماره مجذور خی برای داده‌های مقوله‌ای (اسمی) به‌کار می‌رود و در آن، با داده‌هایی سروکار داریم که به‌صورت فراوانی درمی‌آیند. بدین‌ترتیب، مجذور خی، فراوانی‌ها یا تعداد پاسخ‌های مقوله‌ای بین دو یا چند گروه را با هم مقایسه می‌کند. در این پژوهش نیز با طبقه‌بندی‌های توسعه صنعتی و فراوانی‌های پژوهش در ارتباط با شاخص‌های الگوی اجتماعی روبه‌رو هستیم.

جدول ۲. مربوط به رابطه میان تغییر در نوع پوشش افراد بعد از اجرای طرح‌های توسعه و میزان توسعه صنعتی از نظر آن‌ها

آیا بعد از اجرای طرح‌های توسعه، در آداب و رسوم اجتماعی تغییراتی به‌لحاظ نوع پوشش ایجاد شده است؟		میزان توسعه صنعتی	
بله	خیر	جمع	
۳۳	۶	۳۹	پایین
۵۹	۱۵	۷۴	متوسط
۴۰	۱۶	۵۶	بالا
۱۳۲	۳۷	۱۶۹	جمع

Chi-Square = 2/541 Sig = 0/281 Cramer's V = 0/123 Df = 2

براساس نتایج جدول ۲، مقدار آزمون خی دو ۲/۵۴۱ است و با توجه به درجه آزادی ۲، با قبول خطای بیش از ۰/۰۵ (Sig=۰/۲۸۱) و درجه اطمینان کمتر از ۰/۹۵ می‌توان گفت بین تغییر در نوع پوشش افراد بعد از اجرای طرح‌های توسعه و میزان توسعه صنعتی از نظر آن‌ها، رابطه معناداری وجود ندارد؛ یعنی فرضیه خنثی را- که نشانگر نبود رابطه است- می‌پذیریم.

جدول ۳. رابطه میان تغییر در الگوی ازدواج افراد بعد از اجرای طرح‌های توسعه و میزان توسعه صنعتی از نظر آن‌ها

آیا بعد از اجرای طرح‌های توسعه، در آداب و رسوم اجتماعی تغییراتی از نظر نوع الگوی ازدواج ایجاد شده است؟			میزان توسعه صنعتی
بله	خیر	جمع	
۱۰	۲۹	۳۹	پایین
۲۸	۴۶	۷۴	متوسط
۳۸	۱۸	۵۶	بالا
۷۶	۹۳	۱۶۹	جمع

Chi-Square = 19/262 Sig = 0/000 Cramer's V = 0/338 Df =

براساس نتایج جدول ۳، مقدار آزمون خی دو ۱۹/۲۶۲ است و با توجه به درجه آزادی ۲، با قبول خطای کمتر از ۰/۰۱ (Sig=۰/۰۰۰) و درجه اطمینان بیش از ۰/۹۹ می‌توان گفت بین تغییر در الگوی ازدواج افراد بعد از اجرای طرح‌های توسعه و میزان توسعه صنعتی از نظر آن‌ها، رابطه معنادار وجود دارد؛ یعنی فرضیه خنثی را- که نشانگر نبود رابطه است- رد می‌کنیم. شایان ذکر است با توجه به مقدار به‌دست آمده از آزمون کرامر، شدت همبستگی بین دو متغیر، متوسط است. نتایج درصدی جدول توافقی نشان می‌دهد متناسب با میزان پیشرفت توسعه صنعتی، در الگوی ازدواج افراد تغییر ایجاد شده است.

جدول ۴. مربوط به رابطه میان تغییر در الگوی روابط در خانواده افراد بعد از اجرای طرح‌های توسعه

و میزان توسعه صنعتی از نظر آن‌ها آیا در آداب و رسوم اجتماعی بعد از اجرای طرح‌های توسعه تغییراتی ایجاد شده است؟			میزان توسعه صنعتی
بله	خیر	جمع	
۳۰	۹	۳۹	پایین
۴۷	۲۷	۷۴	متوسط
۳۸	۱۸	۵۶	بالا
۱۱۵	۵۴	۱۶۹	جمع

Chi-Square = 2/114 Sig = 0/348 Cramer's V = 0/112 Df = 2

براساس نتایج جدول فوق، مقدار آزمون خی دو ۲/۱۱۴ است و با توجه به درجه آزادی ۲، با قبول خطای بیش از ۰/۰۵ (Sig=۰/۳۴۸) و درجه اطمینان کمتر از ۰/۹۵ می‌توان گفت بین تغییر در

الگوی روابط در خانواده افراد بعد از اجرای طرح‌های توسعه و میزان توسعه صنعتی از نظر آن‌ها رابطه معناداری وجود ندارد؛ یعنی فرضیه خنثی را - که نشانگر نبود رابطه است - می‌پذیریم. براساس نتایج جدول ۵، مقدار آزمون خی دو ۸/۷۴۸ است و با توجه به درجه آزادی ۲، با قبول خطای کمتر از ۰/۰۵ ($Sig=0/013$) و درجه اطمینان بیش از ۰/۹۵ می‌توان گفت بین تغییر افراد در الگوی روابط با جنس مخالف بعد از اجرای طرح‌های توسعه و میزان توسعه صنعتی از نظر آن‌ها رابطه معنادار وجود دارد؛ یعنی فرضیه خنثی را - که نشانگر نبود رابطه است - رد می‌کنیم. شایان ذکر است با توجه به مقدار آزمون کرامر، شدت همبستگی بین دو متغیر متوسط است. نتایج درصدی جدول توافقی نشان می‌دهد متناسب با میزان پیشرفت توسعه صنعتی، الگوی روابط با جنس مخالف تغییر یافته است.

جدول ۵. رابطه میان تغییر افراد در الگوی روابط با جنس مخالف بعد از اجرای طرح‌های توسعه و میزان توسعه صنعتی از نظر آن‌ها

آیا در آداب و رسوم اجتماعی بعد از اجرای طرح‌های توسعه، تغییراتی به‌لحاظ افزایش روابط با جنس مخالف ایجاد شده است؟			میزان توسعه صنعتی
بله	خیر	جمع	
۲۲	۱۸	۴۰	پایین
۴۱	۳۳	۷۴	متوسط
۴۴	۱۲	۵۶	بالا
۱۰۷	۶۳	۱۷۰	جمع

Chi-Square = 8/748 Sig = 0/013 Cramer's V = 0/267 Df = 2

جدول ۶. رابطه میان میزان ایجاد و توسعه مشارکت مردم محلی و میزان توسعه صنعتی

ایجاد و توسعه مشارکت مردم محلی			میزان توسعه صنعتی
کاهش	بدون تغییر	افزایش	
۴	۱۷	۱۹	پایین
۴	۲۴	۴۶	متوسط
۱	۱۱	۴۴	بالا
۹	۵۲	۱۰۹	جمع

Gamma=0/399 Sig=0/001

با توجه به جدول فوق و براساس نتیجه آزمون گاما (۰/۳۹۹) با قبول خطای کمتر از ۰/۰۱ (Sig=۰/۰۰۱) و درجه اطمینان بیش از ۰/۹۹ می‌توان گفت بین میزان توسعه صنعتی و مشارکت مردمی رابطه معنادار وجود دارد. بدین ترتیب، فرضیه خنثی را- که نشانگر نبود رابطه است- رد می‌کنیم. مقدار آزمون پیرسون، نشانگر شدت همبستگی متوسط میان دو متغیر است و براساس مقدار مثبت آزمون، رابطه بین دو متغیر مستقیم است؛ بدین معنا که هر قدر توسعه و پیشرفت صنعتی افزایش یافته، مشارکت محلی نیز بیشتر شده است.

جدول ۷. رابطه میان میزان ارتباطات رسانه‌ای و میزان ایجاد مشارکت در میان مردم محلی

مشارکت مردم محلی در طرح‌های توسعه	میزان ارتباطات رسانه‌ای		
	پایین	متوسط	بالا
کاهش	۶	۵	۱
بدون تغییر	۱۳	۲۶	۱۴
افزایش	۵۰	۵۰	۱۶
جمع	۶۹	۸۱	۳۱

Gamma=-0/210 Sig=0/081

با توجه به جدول ۷ درمی‌یابیم براساس نتیجه آزمون گاما (۰/۲۱۰) و قبول خطای بیش از ۰/۰۵ (sig=۰/۰۸۱) و درجه اطمینان کمتر از ۰/۹۵ می‌توان گفت بین میزان ارتباطات رسانه‌ای و میزان ایجاد و توسعه مشارکت در میان مردم محلی، رابطه معناداری وجود ندارد و فرضیه خنثی را- که نشانگر نبود رابطه است- می‌پذیریم.

بحث و نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های این پژوهش، اجرای طرح‌های توسعه، بر بعضی از زمینه‌های اجتماعی تأثیر داشته است؛ درحالی‌که در بعضی از حوزه‌های دیگر، رابطه معناداری بین اجرای طرح‌های توسعه و شاخص‌های اجتماعی فرهنگی وجود ندارد.

مطابق نتایج، میان تغییر در نوع پوشش افراد بعد از اجرای طرح‌های توسعه و میزان توسعه صنعتی، رابطه معناداری وجود ندارد. به عبارت دیگر، طرح‌های توسعه تأثیری بر تغییر نوع پوشش مردم بومی نداشته است.

همچنین یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد رابطه معناداری میان اجرای طرح‌های توسعه و

میزان توسعه صنعتی با الگوی ازدواج افراد وجود دارد. به عبارت دیگر، توسعه صنعتی شهر عسلویه، بر الگوی ازدواج افراد بومی تأثیر داشته و این الگو دچار تغییر شده است.

اگرچه اجرای طرح‌های صنعتی بر الگوی ازدواج تأثیر داشته است، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد رابطه معناداری بین روابط در خانواده افراد بعد از اجرای طرح‌های توسعه و میزان توسعه صنعتی وجود ندارد. به عبارت دیگر، طرح‌های صنعتی بر روابط خانوادگی مردم بومی عسلویه تأثیری نداشته است.

یافته‌ها نشان می‌دهد رابطه معناداری میان اجرای طرح‌های توسعه و میزان توسعه صنعتی با الگوی روابط با جنس مخالف وجود دارد. به عبارت دیگر، رابطه میان افراد با جنس مخالف، پس از اجرای طرح‌های صنعتی دستخوش تغییر شده است. شاید این مسئله، در الگوی ازدواج نیز تأثیر داشته است؛ چراکه پس از اجرای طرح‌های صنعتی، الگوی ازدواج نیز تغییر کرده است.

رابطه معناداری بین میزان توسعه صنعتی و میزان تغییر در الگوهای فرهنگی، ارزش‌ها و باورهای افراد وجود دارد. به عبارت دیگر، با پیشرفت توسعه صنعتی در الگوهای فرهنگی، ارزش‌ها و باورهای مردم تغییر کرده است. این تغییرات، بر الگوی ازدواج و رابطه با جنس مخالف اثرگذار بوده است.

مطابق یافته‌ها، بین میزان توسعه صنعتی و مشارکت مردمی رابطه معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، مردم در اجرای طرح‌های توسعه مشارکت داشته‌اند. همچنین مطابق همبستگی متوسط بین دو متغیر توسعه صنعتی و مشارکت هر چه توسعه و پیشرفت صنعتی بیشتر شده مشارکت محلی نیز افزایش یافته است.

براساس یافته‌های پژوهش، بین میزان ارتباطات رسانه‌ای و میزان ایجاد و توسعه مشارکت مردم محلی، رابطه معناداری وجود ندارد. به عبارت دیگر، رسانه نقشی در ایجاد توسعه مشارکتی ندارد و می‌توان نتیجه گرفت که عوامل دیگری در مشارکت مردم در طرح‌های توسعه‌ای دخیل بوده‌اند.

منابع

- آراسته‌خو، محمد (۱۳۷۴)، تأمین و رفاه اجتماعی، تهران: انتشارات پیام نور.
- ازکیا، مصطفی و ایمانی، علی (۱۳۷۸)، توسعه پایدار روستایی، تهران: نشر اطلاعات.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳)، توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، تهران: نشر نی.
- ازکیا، مصطفی و غلامرضا، غفاری (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی توسعه، تهران: انتشارات کیهان.

- بکر، هنک و ونکلی، فرانک (۱۳۸۸)، راهنمای بین‌المللی برآورد پیامدهای اجتماعی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
- بی‌نام (۱۳۸۴)، طرح پژوهشی پارس جنوبی توسعه صنعتی و چالش‌های فرهنگی، تهران: انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- بیرو، آلن (۱۳۷۵)، فرهنگ علوم اجتماعی، جلد دوم، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: مؤسسه کیهان.
- پاپلی یزدی، محمدحسین و ابراهیمی، محمد امیر (۱۳۸۱)، نظریه‌های توسعه روستایی، تهران: انتشارات سمت.
- تامپسون، جان ب، (۱۳۸۰)، رسانه‌ها و مدرنیته؛ نظریه اجتماعی رسانه‌ها، ترجمه مسعود اوحدی، تهران: انتشارات سروش.
- تودارو، مایکل (۱۳۶۴)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران: مرکز مدارک و انتشارات سازمان بودجه و برنامه‌ریزی.
- دیوب، اس. سی (۱۳۷۷)، نوسازی و توسعه در جستجوی قالب‌های فکری جدید، ترجمه احمد موثقی، تهران: نشر قومس.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۲)، آناتومی جامعه، جلد اول، تهران: انتشارات شرکت سهامی.
- روچ، کریس (۱۳۸۷)، ارزیابی تأثیر پروژه، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر اختران.
- فرهنگی، علی‌اکبر؛ دانایی، ابوالفضل و جامع، رقیه (۱۳۹۰)، ارتباطات توسعه در جهان سوم، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- کوزر، لوئیس و روزنبرگ، موریس (۱۳۷۸)، نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
- لوی برول، هانری (۱۳۸۵)، حقوق و جامعه‌شناسی، ترجمه مصطفی رحیمی، جلد اول، تهران: انتشارات صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.
- معتمدنژاد، کاظم (۱۳۷۱)، ارتباطات توسعه و توسعه ارتباطات در ایران، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- ملکات، سرینوس (۱۳۸۸)، ارتباطات توسعه در جهان سوم، ترجمه شعبانعلی بهرام‌پور، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ویندال، سون؛ سیگنایزر، بنو و اولسون، جین (۱۳۷۶)، کاربرد نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- وبر، ماکس (۱۳۷۱)، مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، ترجمه احمد صدارتی، تهران: نشر مرکز.
- Becker, H. (1997), **Social Impact Assessment: Method and Experience in Europe, North America and the Developing World**, London: UCL Press.
- Davis, J. and Whittington, D. (1998), **Participatory Research for Development Projects: A Comparison of the Community Meetings and Household Survey Techniques**, **Economic Development and Cultural Change**, No 1: 73-94.

- Carley, M. J. and Bustelo, E. S. (1984), **Social Impact Assessment and Monitoring: A Guide to the Literature**, Westview Press.
- Freire, P. (1970), Cultural Action and Co Scientization , **Harvard Educational Review**, No 40: 4-19.
- Laurence R. G. (2000), **Social Impact Analysis: An Applied Anthropology Manual**, Berg Publishers.
- Picciotto, R. (1992), **Participatory Development: Myths and Dilemmas**, Washington DC: World Bank.
- Schumacher, E. F. (1973), **small is Beautiful**, New York: Harper and Row.
- Shepherd, A. (1998), **Sustainable Rural Development**, London: Macmillan.
- Seers, D., (1969), The Meaning of Development , **International Development Review**, No 1: 109-266.
- Stolp, A. (2003), **Citizen Values Assessment**, in Becker, H. A. and Vanclay, F. (Eds), The International Handbook of Social Impact Assessment: Conceptual and Methodological Advances, Cheltenham, Edward Elgar Publishing Limited.
- Vanclay, F. (2002), **Social Impact Assessment**, In M. Tolba (Ed), Responding to Global Environmental Change, Vol. 4, Encyclopedia of Global Environmental Change, series Eds: Ted Munn, Chichester: Wiley.
- Vanclay, F. (2003), Impact Assessment and Project Appraisal **Environmental Impact Assessment Review**, No 3: 183-211.
- Western, J. and Lynch, M. (2000), "Overview of the SIA Process", In Laurence R. Goldman (Ed), **Social Impact Analysis: An Applied Anthropology**, Berg. pp. 35-62.